

عنوان مقاله:

تحلیل و بررسی جایگاه گویش گروسی در زبان کُردی

گردآورنده: محمد مریوانی

کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی

آدرس ایمیل:

m.marivani1355@gmail.com

شماره همراه:

۰۹۱۸۳۷۲۷۴۴۵

تحلیل و بررسی جایگاه گویش گروسی در زبان کُردی

(محمد مریوانی)

چکیده

زبان کُردی دارای گویش‌های بسیار متنوع و متفاوتی است، یکی از گویش‌های زبان کُردی در ایران، گویش گروسی می‌باشد که بیشتر ساکنان شهرستان بیجار و بخش‌هایی از قروه در استان کردستان و قسمت‌هایی از شهرستان کبودرآهنگ همدان با آن تکلم می‌کنند. برخی گویش گروسی را زیر مجموعه‌ی گویش کُردی سورانی و برخی دیگر زیرگروه کُردی جنوبی و عده‌ای نیز آن را جزئی از کُردی گوران می‌دانند. این مقاله بر آن است تا گویش کُردی گروسی را به شیوه‌ی توصیفی تحلیلی از منظر ساختار مورد بحث و بررسی قرار دهد و از این طریق سرشاخه‌ی اصلی و واقعی آن را مشخص نماید.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که کُردی گروسی یک گویش بینابینی است؛ به عبارت دیگر نقش یک میان گویش را در میان گویش‌های کُردی ایفا می‌کند و اگر بخواهیم از لحاظ کمیت واژگان و دستور زبان مقایسه کنیم بیشتر واژگان آن همانند گویش کُردی جنوبی است اما از لحاظ طرز بیان واژگان، گویش گروسی تلفیقی از نوع بیان گویش کُردی سورانی و گویش کُردی گورانی است.

کلیدواژه: زبان کُردی، کُردی جنوبی، سورانی، گورانی، گروسی

مقدمه

لفظ و اصطلاح کُرد عموماً به ساکنان مناطق غربی فلات ایران که به طور معمول در نواحی کوهستانی زندگی می‌کنند، اطلاق می‌گردد. این سرزمین امروزه شامل قسمت‌های شرقی و جنوبی خاک ترکیه، شمال شرق سوریه، شمال عراق و مناطق غربی کشور ایران است که در مجموع کردستان نامیده می‌شود و زبان ساکنان آن با وجود انشعابات متعدد همگی کُردی خوانده می‌شود و با وجود قرار گرفتن آن در مرزهای سیاسی مجزا و تحت لوای چهار پرچم و سه زبان متفاوت که باعث تأثیرپذیر از زبان کشور حاکم است، اما خوشبختانه زبان کُردی ماهیت خود را حفظ کرده و در طول زمان در برابر هجوم و ورود واژگان و اصطلاحات سایر زبان‌ها، با واژه سازی و رجوع به واژگان اصیل کُردی توانسته است به حیات خود و رفع نیازهای عمومی و علمی جامعه ادامه دهد.

زبان کُردی امروز ترکیبی از زبان ساکنان اولیه کردستان شامل مادها، میتانی‌ها، مانناها و گوتی‌ها است (خوشحالی، ۱۳۷۹: ۴۲). در زبان کُردی اگرچه نشانه‌هایی از زبان‌های سومری، میتانی و آشوری برجا مانده است اما آنچه تنه‌ی اصلی زبان کُردی را به عنوان یکی از زبان‌های هند و اروپایی تشکیل می‌دهد، زبان مادی است که خود متشکل از زبان‌های اقوام مختلف اتحادیه‌ی ماد است که در برخورد با مهاجران آریایی تبار بعدها تبدیل به زبان مادی ایرانی شد (علی‌یف، ۱۳۸۸: ۱۴۲) و اکنون یکی از زبان‌های هند و اروپایی در شاخه‌ی زبان‌های ایران غربی محسوب می‌شود که دارای گویش‌های گوناگونی است و هرکدام از آنها با یکدیگر تفاوت‌های زیادی دارند.

از گذشته تاکنون برای زبان کُردی تقسیم‌بندی‌هایی در نظر گرفته شده که قدیمی‌ترین آن مربوط به امیرشرف‌خان بدلیسی در کتاب شرفنامه است. البته پس از او افراد دیگری نیز تقسیم‌بندی‌هایی انجام داده‌اند که مبنای اکثر آنها مناطق جغرافیایی بوده است (ویسی، ۱۳۹۸: ۱۳۲) و در طبقه‌بندی آنها توجه چندانی به ساختار زبان، ساختار و سازمان ایلی و پیوستگی جغرافیایی لهجه‌ها در میان کُردها نشده است. در تقسیم‌بندی گویش‌های زبان کُردی در میان صاحب نظران و نویسندگان اختلاف نظر وجود دارد و تقریباً هر کدام از آنها در معرفی گویش‌ها و زیرگویش‌های آن (لهجه‌ها) آراء متفاوتی ارائه کرده‌اند. یکی از گویش‌هایی که درباره‌ی آن اختلاف نظر فراوانی وجود دارد، کُردی گروسی است. این گویش غالباً در شهرستان بیجار از توابع استان کردستان تکلم می‌شود، شهرستانی که از دوران صفویه تا اواخر دوره‌ی پهلوی گروس خوانده شده است.

در خصوص گویش گروسی تحقیقات کمی صورت گرفته است، اما از مهم‌ترین تحقیقاتی که در این باره به انجام رسیده، می‌توان به مقالات دومین همایش گروس‌شناسی اشاره کرد که این مقالات در فصلنامه فرهنگی - پژوهشی فرهنگ کردستان شماره ۲۰ در پاییز ۱۳۸۳ به چاپ رسیده است. از جمله‌ی این مقالات می‌توان به مقاله‌ی نگاهی گذرا به نظام آوایی کُردی گروسی نوشته‌ی رضا سهرابی و مقاله‌ی آواشناسی کُردی گروسی، جعفر سریش آبادی و یا مقاله‌ی برخی ویژگی‌های آوایی و دستوری گویش کُردی بیجار، نوشته‌ی شیرین خادمی و مقاله‌ی جایگاه زبان کُردی در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی با نظری اجمالی بر آواشناسی و دستور زبان گویش گروسی به قلم منوچهر باش‌افشار اشاره کرد که همه‌ی این مقالات در ارتباط با نظام آوایی گویش گروسی نوشته شده‌اند و هر یک از آنها به صورت بسیار مختصر به معرفی زبان کُردی و زیر شاخه‌های آن پرداخته‌اند. ضمناً به صورت گذرا اشاره کرده‌اند که گویش گروسی در کدام زیر شاخه اصلی قرار دارد و در این زمینه نظرانی کاملاً متفاوت از هم ارائه داده‌اند که برای مخاطب در رسیدن به یقین در این زمینه خیلی راهگشا نیست.

باتوجه به نقش و اهمیتی که گویش گروسی در تاریخ و فرهنگ شرق کردستان دارد و دقت در این امر که افراد زیادی در بیجار و قسمت‌هایی از قروه و کبودرآهنگ همدان با این گویش تکلم می‌کنند، این تحقیق می‌کوشد تا به دو سؤال مهم در این زمینه پاسخ دهد.

۱ - چرا صاحب‌نظران در معرفی سرشاخه‌ی گویش گروسی اختلاف نظر دارند؟ ۲ - گویش گروسی زیر شاخه‌ی کدام گویش زبان کُردی محسوب می‌شود؟

درباره‌ی کُردی گروسی، بررسی و تحقیق قابل توجهی صورت نگرفته است؛ بنابراین مقاله‌ی حاضر تلاش می‌کند تا موقعیت و واقعیت این گویش را بررسی و بر مبنای ریشه، جایگاه دقیق آن را در میان گویش‌های کُردی مشخص نماید.

گویش‌های زبان کُردی

همان‌طور که ذکر گردید کهن‌ترین تقسیم‌بندی زبان کُردی در اواخر قرن دهم هجری، توسط امیر شرف‌خان بدلیسی صورت گرفته است که نویسنده در این تقسیم‌بندی زبان کُردی را به چهار شاخه‌ی اصلی: ۱- کُرمانجی ۲- کلهری ۳- (هورامی و گورانی) ۴- لُری تقسیم می‌کند (بدلیسی، ۱۳۷۳: ۲۳) و این دسته بندی به عنوان اصل و مبنا قرار گرفته و عموماً توسط نویسندگان بعدی تاریخ و زبان کُرد مورد استفاده قرار گرفته است.

در دوره‌ی معاصر نویسندگان زیادی اقدام به دسته‌بندی گویش‌های زبان کُردی کرده‌اند که بیشتر توجه آنان به عوامل و مسائل جغرافیایی بوده و به ساختار زبانی و مسائل ایلی کمتر اهمیت داده‌اند. با این حال تعداد محدودی از آن‌ها سنت‌شکنی کرده و در تقسیم‌بندی گویش‌های کُردی، دستور زبان، حوزه نفوذ زبان و هم چنین سازمان ایلی را نیز مد نظر قرار داده‌اند. اکنون با توجه به این امر در این بخش به شرح تعدادی از دسته‌بندی‌هایی که درباره‌ی گویش‌های زبان کُردی صورت گرفته است، می‌پردازیم.

به طور کلی گویش‌های زبان کُردی به دو دسته‌ی اصلی تقسیم و طبقه‌بندی شده است: دسته‌ی اوّل بر مبنای موقعیت جغرافیایی، در این دسته گویش‌های زبان کُردی به چهار شاخه‌ی اصلی تقسیم شده است که عبارتند از: ۱- کُرمانجی شمالی ۲- کُرمانجی جنوبی ۳- گورانی یا زازایی ۴- لُری (مردوخ، ۱۳۵۳: ۴۱، خوشحالی، ۱۳۷۹: ۲۲۴-۲۲۳ و نیز، ۱۹۷۶: ۲۲). شیخ محمد خال هم زبان کُردی را به همان چهار شاخه تقسیم کرده است، با این تفاوت که به جای کُرمانجی شمال و جنوب، کُرمانجی راست (شمالی) و کُرمانجی چپ (شرقی) به کار برده و دو گویش اصلی بعدی را گورانی یا زازایی و لُری دانسته است (مرتضایی، ۱۳۵۷: ۲۰). توفیق وهبی نیز زبان کُردی را با کمی تفاوت به چهار شاخه کُرمانجی، لُری، گورانی و زازایی تقسیم کرده است (۱۹۶۵: ۲۵)، وی بر خلاف سایر زبان‌شناسان و محققان، گورانی و زازایی را دو گویش اصلی جداگانه به شمار آورده و کلهری و لکی را نیز جزوی از گویش لُری قلمداد کرده است.

ایرادهای فراوانی بر این نوع از طبقه‌بندی (بر اساس و اعتبار جغرافیایی) مترتب است: نخست استاد خال در طبقه‌بندی خود کُرمانجی راست را شامل: سورانی، بابانی، مکیانی، اردلانی، کلهری و گورانی می‌داند. در حالی که گورانی و کلهری را به هیچ وجه نمی‌توان در این دسته قرار داد؛ زیرا گورانی قدیم یا همان هورامی از نظر واژگانی و کلهری از نظر دستور زبان با دیگر لهجه‌ها در این دسته تفاوت دارند و هر کدام خود یک گویش محسوب می‌شوند و از سوی دیگر ایشان زازا را یک لهجه‌ی مجزا معرفی کرده است که بر اساس دستور زبان و دایره‌ی واژگان، زازایی و هورامی یک دسته به حساب می‌آیند و اصطلاحاً گویش زازا - گوران را می‌سازند. همچنین وی لکی و فیلی را با بختیاری یکجا آورده است، که در این مورد هم باید اشاره کرد که لکی خود بر اساس معیارهای علمی زبان که برای دیگر گویش‌ها در نظر گرفته می‌شود یک گویش مستقل و فیلی نیز زیر لهجه‌ای از گویش کلهری است.

تقسیم‌بندی توفیق وهبی نیز از یک جهت مورد اشکال است، وی در بند دوم لُری را شامل: بختیاری، لکی، فیلی، کلهری و ممسنی می‌داند و همانگونه که اشاره شد لکی و کلهری هر کدام یک گویش مستقل و فیلی یک لهجه از کلهری است.

جمال نیز گویش‌های زبان کردی را به دو شاخه اصلی و دو شاخه فرعی تقسیم نموده، به طوری که کرمانجی شمالی و کرمانجی میانی را دو شاخه اصلی و کرمانجی جنوبی و گورانی، زازایی را دو شاخه فرعی زبان کردی دانسته است (۱۹۷۶: ۲۲). نیز تلفظ را به عنوان حیطه‌ی مهمی در تقسیم‌بندی زبان کردی در نظر نگرفته است، وی معتقد است که معیارهای مهم و اصولی زبان‌شناختی را باید در نظر گرفت و از ویژگی‌های فرعی نظیر تلفظ یا ویژگی‌های کم‌اهمیت گرامری نظیر ضمیر مردانه و زنانه به عنوان معیاری برای تقسیم بندی شاخه‌های زبان کردی صرف‌نظر کرد. وی هم چنین کلمه‌ی کرمانجی را مترادف زبان کردی دانسته است (ویسی، ۱۳۹۸: ۱۳۰). ذبیحی نیز در تقسیم‌بندی زبان کردی مانند جمال نیز عمل کرده است، فقط با این تفاوت که زبان کردی را به دو دسته اصلی و فرعی تقسیم نکرده است (خوشحالی، ۱۳۷۹: ۲۳۱-۲۳۰). در کل فرض کسانی که بر اساس حیطه‌های جغرافیایی به تقسیم بندی زبان کردی پرداخته‌اند این است که یک حیطه و منطقه‌ی جغرافیایی خاص دارای یک شاخه‌ی خاص است و در آن حیطه فقط آن شاخه استفاده می‌شود، در حالی که انتشار زبان کردی فقط به لحاظ جغرافیایی نیست و چنین نظری نمی‌تواند تقسیم بندی صحیحی را ارائه دهد.

اما دسته‌ی دوم در تقسیم بندی زبان کردی کسانی هستند که علاوه بر موقعیت جغرافیایی تا حدودی سازمان ایلی و شیوه‌ی سخن گفتن را نیز در نظر گرفته‌اند. این گروه اکثراً زبان کردی را به پنج شاخه اصلی تقسیم کرده‌اند که عبارتند از: ۱- کرمانجی شمالی ۲- کرمانجی جنوبی (کردی مرکزی) ۳- گورانی یا زازایی ۴- کلهری یا لکی یا کرمانشاهی ۵- لری (ابراهیم پور، ۱۳۷۳: ۱۵ دیباچه // مفتی زاده، ۱۳۵۶: ۴ // رخزادی، ۱۳۷۹: ۳۵ // صفی زاده، ۱۳۸۰: ۳۷-۳۳ // شافعی کورد، ۱۳۷۸: ۹۱-۹۲).

ظاهر سارایی نیز زبان کردی را به پنج شاخه تقسیم کرده است اما در تقسیم بندی وی، با افرادی چون مفتی زاده و رخزادی تفاوت‌های جزئی وجود دارد به این صورت که ایشان زبان کردی را به کردی شمال غربی (کردی کرمانجی) - کردی شمالی (کردی سورانی) - کردی میانه (اورامی و هورامی) - کردی جنوبی (کلهری، گورانی، فیلی، لکی) و کردی جنوب شرقی (لری) تقسیم کرده است (۱۳۸۰: ۷۲-۷۳).

برتری این نوع تقسیم‌بندی نسبت به دسته‌بندی‌های چهار شاخه‌ای این است که علاوه بر جزئی و دقیق‌تر شدن حیطه‌ی جغرافیایی گویش‌ها تا حدودی سازمان ایلی نیز به عنوان یک معیار در نظر گرفته شده است و محققان و زبان‌شناسان فوق تلاش کرده‌اند تا روش سخن گفتن را نیز در معیارها و ملاک‌های خود قرار دهند. البته باید اعتراف کرد که باز هم نمی‌توان به این نوع تقسیم‌بندی چندان اتکا کرد؛ چرا که کردها دارای ایلات و طوایف متعددی بوده‌اند و هر کدام از آنان گویش خاص خود را داشته‌اند. با توجه به این امر و به علت پراکندگی منطقه‌ی جغرافیایی کردها و تنوع و درآمیختگی گویش‌ها، تقسیم بندی‌های فوق نیز چندان کارساز نبوده و نتوانسته است دسته‌بندی‌های دقیق و صحیحی را به ما ارائه دهد. بنابراین شایسته است که علاوه بر تقسیم‌بندی جغرافیایی و سازمان ایلی، آواشناسی (فونتیک) و گرامر کلمات، واژه شناسی و لغات کردی - که مبنای مناسب‌تر و درست‌تری برای تقسیم‌بندی گویش‌های کردی است - نیز مورد توجه قرار گیرد. بر همین اساس و با بهره‌گیری از آراء و تحقیق پژوهشگران، زبان‌شناسان، مستشرقین و مورخان - که در بالا ذکر تعدادی از آنها آمده است - زبان کردی را می‌توان بطور صحیح و براساس معیارهایی که ذکر شد بر پنج گویش عمده و اصلی تقسیم نمود که عبارتند از: ۱ - کرمانجی یا کردی شمالی، ۲ - کردی میانه یا مرکزی، ۳ - کردی جنوبی، ۴ - هورامی (زازا - گوران)، ۵ - لری.

جایگاه گویش گروسی در تقسیم بندی های زبان کردی

گویش گروسی یکی از گویش‌های زبان کردی - که امروزه زبان اکثر ساکنان شهرستان بیجار گروس و بخش‌هایی از شهرستان‌های کبودرآهنگ همدان و قروه کردستان - است. این گویش برگرفته از زبان و گویش ایل گروس می‌باشد که خاستگاه آن مناطق جنوبی ایلام و در مرزهای ایلام، خوزستان و لرستان بوده است. با توجه به نسخه‌ی خطی کتاب انساب،

ایل گروس در جنوبی‌ترین نقطه از ایلام و در بخش‌هایی از خوزستان در مرزهای لرستان حضور داشتند که در اواخر قرن دوم هجری پذیرای امام رضا(ع) در سفر از مدینه به خراسان بودند. (انساب، نسخه خطی: ۳۵)

میرزا محمدحسین مستوفی نیز در قرن ۱۲ هجری، گروس را از ایلات گُرد و ایرانی الاصل به شمار آورده‌است و می‌نویسد: «فرقه‌ی دوم از ایلات اصلی ایران که قدیمی‌اند، فرقه‌ی گروس و کلهر و مَکری‌اند.» (دانش پژوه، ۱۳۵۳: ۴۰۶-۴۱۰/۲۰) مجله یادگار در سال ۱۳۲۵ بنا بر نوشته‌ی کافی امیرانی در این خصوص می‌نویسد: «گروس اسم طایفه و قبیله‌ی بزرگی بوده است که در ازمنه‌ی قدیمه به رسم چادرنشینی زندگی کرده، محل تابستانی و ییلاق آنها در خاک گروس و قشلاق و محل زمستانی آنها در لرستان و حدود خوزستان بوده ... و در بین این دو محل، ایاب و ذهاب و رفت و آمد می‌کرده‌اند» (مجله یادگار، ۱۳۲۵: ۶۶)

با توجه به مطالب مذکور، ایل گروس از ایلات گُرد جنوب غربی ایران محسوب شده و از نظر جغرافیایی نیز با گُردهای فیلی همسایه بوده است، در ضمن با ایلات کلهر و سیاه منصور هم قرابت‌هایی داشته است. این ایل حدود ۷۰۰ سال قبل در منطقه‌ی کنونی بیجار گروس سکونت دائمی اختیار کرده و پس از کشتار و تبعید ایل سیاه‌منصور توسط شاه عباس صفوی، بر این منطقه چنان تسلط یافتند که نه تنها حکومت را به دست گرفتند بلکه نام ایل خود را بر نام منطقه‌ی سکونت خود نیز قرار دادند (مربوانی، ۱۳۸۸: ۳۱) و چنان بر این ناحیه مسلط شدند که لهجه و گویش خود را نیز به گویش غالب منطقه تبدیل نمودند.

گویش گروسی دارای ویژگی‌هایی منحصر به فرد است که در میان سایر گویش‌ها کمتر به چشم می‌خورد و همین امر موجب شده است که زبان‌شناسان و محققان زبان گُردی در خصوص آن با شبهات مختلف روبرو گردند. در نتیجه هر محقق و نویسنده‌ای در مورد این گویش، نظری متفاوت ارائه داده است از جمله:

۱- برخی از محققان مانند: باش افشار (۱۳۸۳: ۲۱)، سهرابی (۱۳۸۳: ۶۵) و کوشا (۱۳۸۴: ۸۰) در طبقه‌بندی زبان گُردی، گویش گروسی را زیر مجموعه‌ی شاخه‌ی گورانی (هورامی) محسوب کرده‌اند. هر چند که باش‌افشار به طور مستقیم گویش گروسی را در زیر شاخه‌ی گورانی به شمار نیاورده است، اما معتقد است که این گویش در میان سرشاخه‌های زبان گُردی بیشترین تأثیر را از گُردی گورانی پذیرفته است (۱۳۸۳: ۲۱) و در ادامه‌ی این عقیده، رضا سهرابی در مقاله‌ی «نگاهی گذرا به نظام آوایی گُردی گروسی» چنین نوشت که برخی کارشناسان گویش گروسی را جزو گُردی کرمانشاهی به شمار می‌آورند در صورتی که تعلق و وابستگی این گویش به گُردی گوران - به عنوان یک سرگروه اصلی با زیر گروه‌های فرعی و متفاوت - محسوس‌تر است و در گروس نیز با توجه به نحوه‌ی ادای کلمات و صوت و لحن این گویش و تعدد بسیار زیاد گویش‌های گُردی گورانی، حتماً باید در گروه گُردی گوران محسوب شود (۱۳۸۳: ۶۵).

در مورد آراء این افراد باید متذکر شد که اگرچه بین دو گویش گروسی و گورانی لغات و واژه‌های نزدیک به هم و مشترکی وجود دارد، اما باید این مطلب را هم پذیرفت که ممکن است این مسأله ناشی از اصل وجودی آنها و این که هر دو گویشی از گویش‌های زبان گُردی هستند و وجود لغات و واژه‌های مشترک می‌تواند امری کاملاً طبیعی باشد.

نمونه‌ای از واژه‌های مشترک در دو گویش گورانی و گروسی

گورانی	گروسی	فارسی	گورانی	گروسی	فارسی
زاروله	زارو	بچه	کوله	کوله	ملخ
هه‌ره شه	هه‌ره شه	تهدید	میرووی	مووری	مورچه
میرووی	نووزی	عدس	وهشت	وهشن	باران تند
کلکه	کلیک	انگشت			

واژه‌های ذکر شده در جدول، نمونه‌ی بسیار کوچکی از واژه‌های مشترک زیادی است که بین دو گویش گروسی و گورانی وجود دارد. البته می‌توان به واژه‌ی جمع بستن «گل» نیز اشاره کرد که این واژه در گُردی جنوبی «یل» و در گویش‌های

گورانی، گروسی و اردلانی نیز «گل» به کار می‌رود. اما در گل، گویش گروسی نمی‌تواند زیر شاخه‌ی گورانی به شمار آید، چرا که ساختار هر لهجه و زبانی، مهم‌ترین بخش آن است و گویش گروسی بر اساس اصطلاحات، صرف افعال و دستور زبان، متأثر از گویش گورانی نیست، بلکه فقط در خصوص برخی لغات و واژه‌ها و نحوه‌ی ادای کلمات تا حدودی متأثر از آن است و شاید عمده‌ترین علت آن سکونت ایل سیاه‌منصور در خاک گروس باشد؛ چرا که ایل سیاه‌منصور یکی از ایلات بزرگ کُرد در ایران محسوب شده، که از نظر زبانی جزء شاخه گورانی به شمار می‌آمدند (بدلیسی، ۱۳۷۳: ۱۷) و از آنجا که این ایل مدت‌ها بر بیجار گروس مسلط بوده است، می‌تواند عامل اثرگذاری بر گویش گروسی باشد و از سوی دیگر صفی‌زاده معتقد است که در گذشته گویش گورانی در میان مردم سهرورد، همدان، دینور و شهرزور رایج بوده است (۱۳۸۰: ۳۶) و از آنجا که منطقه‌ی گروس و سهرورد دارای تاریخ و جغرافیای درهم آمیخته‌ای هستند (مربوانی، ۱۳۸۸: ۱۲۷-۱۳۲) می‌توان مدعی بود که در گذشته زبان مردم ولایت گروس کُردی با گویش گورانی بوده، اما با سکونت ایل گروس در منطقه‌ی بیجار تغییراتی در آن ایجاد گردیده است.

علاوه بر ایل سیاه‌منصور، جمعیت زیادی از طایفه‌ی خواجه‌وند نیز در منطقه‌ی گروس ساکن بوده‌اند به طوری که حتی اکنون هم تعدادی از روستاهای بخش غربی بیجار برگرفته از نام آنهاست. خواجه‌وندها از اقوام کُرد بودند که در دوران نادرشاه از گروس به شمال کشور تبعید گردیدند، سپس در دوران کریم‌خان زند به مناطق اصلی خود بازگردانده و مجدداً در دوران آقا محمدخان قاجار به نواحی کجور، کلاردشت و تنکابن در مازندران تبعید گردیدند (یوسفی‌نیا، ۱۳۷۰: ۳۱۵)، تعداد خواجه‌وندها در کلاردشت در سال ۱۳۰۱ قمری حدود ۳۰۰۰ خانوار بوده است (افتخاری، ۱۳۷۸: ۷) و اکنون شهری به نام پول در شهرستان کلاردشت وجود دارد که اکثریت ساکنان آن کُرد هستند و زبان اصلی ساکنان این شهر کوچک، کُردی با گویشی شبیه به گویش گروسی‌ها است که در آنجا به گویش خواجه‌وندی مشهور است. عده‌ای زبان آنان را کُردی با گویش گورانی می‌دانند و برخی نیز آنان را از طوایف لک به شمار می‌آورند و کُردی آنان را لکی قلمداد می‌کنند و برخی نیز آنها را با گویش کُردی جنوبی معرفی می‌نمایند، در هر صورت طایفه‌ی خواجه‌وند، قرن‌ها در گروس ساکن بودند و سکونت آنها، با وجود جمعیت زیاد و داشتن افراد با نفوذ در منطقه می‌تواند عامل تأثیرگذار دیگری در خصوص واژه‌های گورانی در گویش گروسی باشد.

۲- گروهی دیگر از نویسندگان، گویش گروسی را زیر گروه کُردی میانه و یا گویش سورانی می‌دانند. از جمله پهلوان‌نژاد و اسدپور که سورانی را یکی از شاخه‌های اصلی زبان کُردی می‌دانند و معتقدند در بیشتر مناطق کُردنشین ایران از جمله استان کردستان و جنوب آذربایجان غربی (سردشت، مهاباد، پیرانشهر، بوکان، اشنویه و غیره) و هم چنین در نیمه جنوبی کردستان عراق تکلم می‌شود و می‌نویسند: «سورانی لهجه‌های گوناگونی دارد. از جمله، مکریانی، جافی، اردلانی (سنندجی)، گروسی، و در حقیقت مکریانی لهجه‌ی اصیل سورانی به شمار می‌رود» (پهلوان‌نژاد و اسدپور، ۱۳۸۶: ۳۷)

همچنین عبدالرحمن ذبیحی در کتاب «قاموس زبان کُردی» به طور کامل مسائل و حوزه‌ی جغرافیایی را مد نظر قرار داده و گویش‌های زبان کُردی را بر اساس شیوه‌ی گفتگو و سخن گفتن به سه منطقه‌ی جداگانه تقسیم نموده است و از چهار گویش اصلی شمالی، میانی، جنوبی و گورانی - زازایی نام می‌برد. وی در این تقسیم‌بندی، گویش گروسی را همراه با گویش‌های مکریانی، سورانی، سلیمانی، جافی، سنندجی و ... به عنوان زیر گویشی از گویش میانی به شمار می‌آورد (خوشحالی، ۱۳۷۹: ۲۳۱-۲۳۰).

در پاسخ به کسانی که گویش گروسی را در کنار مکریانی و سلیمانی‌ای قرار داده‌اند باید گفت که این گویش‌ها نمی‌توانند در کنار هم و زیر گروه یک شاخه واحد باشند، چرا که در زمینه‌ی واژگان و دستور زبان اختلافات فاحشی با هم دارند؛ هر چند که در برخی موارد هم دارای شباهت‌های نیز هستند، مانند به کار رفتن پیشوند «د» در فعل زمان حال ساده که ابتدا حرف «د» سپس ریشه‌ی فعل و پس از آن پسوند شخصی می‌آید. این نشانه که در گویش‌های کرمانجی و سورانی مورد استفاده قرار می‌گیرد (کردی _ اردلانی <https://fa.wikipedia.org/wiki/>) در گویش گروسی نیز با تفاوتی جزئی به کار می‌رود

اما در گویش اردلانی به جای «د» واژه‌ی «ا» مورد استفاده قرار می‌گیرد و در بسیاری از گویش‌های جنوبی بدون پیشوند به کار می‌رود. مثال

کردی سورانی	اردلانی	گروسی	کلهری	فارسی
ده خوم	آخوم	دخوم	خوم	می‌خورم
ده سینم	اسینم	دسینم	سینم	می‌خرم

البته غیر از موارد فوق می‌توان به این مسأله هم اشاره کرد که نشانه‌ی نفی فعل امر در کردی جنوبی و در فارسی معمولاً «na» است، مانند نخور ولی در گویش‌های میانی غالباً به صورت «ma» به کار می‌رود (کلباسی، ۱۳۷۴: ۷۷) و در گویش گروسی نیز مانند کردی میانی «ma» به کار می‌رود. مانند فعل نهی «نخور» در فارسی که در گویش گروسی و کردی میانه «مه‌خوه» تلفظ می‌گردد.

با وجود این که گویش گروسی با گویش‌های کردی میانه دارای قرابت است، اما قرار دادن گویش گروسی در کنار گویش‌های میانی، بدون شناخت کامل و منشاء و ساختار این گویش‌ها بوده است و باید متذکر شد که این اشتباهات ناشی از آهنگ سخن گفتن نزدیک به اردلانی و وجود وام‌واژه‌هایی از اردلانی در گویش گروسی یا بالعکس بوده است.

با توجه به این امر، گویش گروسی در تلفظ کلمات دارای مشابهت‌هایی با گویش‌های اردلانی و سورانی است اما باید گفت که تفاوت‌ها بسیار آشکارتر از شباهت‌های آن‌هاست. جهت تفهیم این مسأله به صورت بسیار جزئی به بیان برخی از تفاوت‌های گویش سورانی با گویش گروسی می‌پردازیم. از جمله این که در گویش سورانی حروف عربی «ح» و «ع» حالت فونتیکی خود را حفظ کرده و به همان آوای عربی دقیق تلفظ می‌شود (کردی_اردلانی / <https://fa.wikipedia.org/wiki>) ولی در گویش گروسی این گونه نیست. در گویش‌های میانی عمده‌تاً نشانه‌ی جمع مانند زبان فارسی «ان» است و در برخی گویش‌ها همچون اردلانی «کان» و «یان» است. در حالی که در گویش گروسی «گل» و «گان» و گاهی هم به صورت «ان» به عنوان نشانه‌های جمع به کار می‌روند. مانند کلمات «کورگل یا کورگان» که به معنای پسران است. ضمناً گویش اردلانی نیز به علت تأثیرپذیری از گویش گروسی یا گورانی جمع بستن با «گل» در آن رایج است. علاوه بر موارد فوق به ذکر نمونه‌ای از تفاوت‌های جمله‌ای نیز می‌پردازیم. جمله‌ی فارسی «من نان خوردم» در گویش مکریانی «مین نانی خواردم» در گویش اردلانی «من نانم خواردم» اما در گویش گروسی «م نان خواردم» مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در شناسه‌ی دوم شخص مفرد در گویش گروسی همخوان «d» به کار می‌رود اما در گویش‌های میانی این گونه نیست. ضمناً شناسه‌ی اول شخص جمع در گویش گروسی همچون سایر گویش‌های کردی جنوبی و مانند زبان فارسی «m» است اما در گویش‌های اردلانی و سورانی «n» است (کلباسی، ۱۳۷۴: ۷۷) مانند فعل ساده «هستیم» در زبان فارسی که در گویش گروسی (heym) و در کردی میانه (heyn) تلفظ می‌گردد. علاوه بر تفاوت‌های ذکر شده، می‌توان به تفاوت ضمائر شخصی و ضمائر متصل در گویش گروسی و گویش‌های میانی نیز اشاره کرد.

۳- گروهی دیگر در تقسیم‌بندی گویش‌های زبان کردی، کلی‌تر عمل کرده و گویش‌های زبان کردی را به سه دسته تقسیم نموده و آنها را منطقه‌ای دسته‌بندی کرده‌اند که عبارتند از: ۱- لهجه‌های شمال و شمال غربی ۲- لهجه‌های جنوب که سورانی نامیده می‌شود ۳- لهجه‌های جنوب شرقی مانند سنندجی، کرمانشاهی و لکی، که در این طبقه‌بندی کردی گروسی نیز در دسته‌ی گویش‌های جنوب شرقی جای می‌گیرد (تیموری، ۱۳۸۳: ۱۰۰).

در پاسخ به این تقسیم‌بندی نیز باید متذکر شد که اگر تقسیم‌بندی زبانی فقط بر اساس مناطق جغرافیایی صورت گرفته باشد دارای اعتبار چندانی نیست، همانطور که ممکن است در یک منطقه کوچک نه تنها دو لهجه، بلکه حتی دو زبان نیز وجود داشته باشد و تقسیم‌بندی بر این مبنا که چون این مناطق به هم نزدیکتر و در کنار هم هستند پس دارای یک گویش مشابه‌اند،

کاملاً غلط است. همانطور که بسیاری روستاهایی که دو گویش زبانی در آنها وجود دارد مانند: روستاهای نجف‌آباد، گوندک و ... در شهرستان بیجار.

۴ - دسته‌ای دیگر گویش گروسی را در کنار گویش‌هایی چون خانقینی، مندلی و بدره در کردستان عراق و کلهری، ایلامی، کلیایی، سنقری و کرمانشاهی در ایران به عنوان زیر شاخه‌ی گویش لکی و کلهری دانسته‌اند (شافعی کورد، ۱۳۷۸: ۹۱-۹۲ // ابراهیم پور، ۱۳۷۳: ۱۵ دیباچه // صفی زاده، ۱۳۸۰: ۳۶). اما باید اذعان داشت که این تقسیم‌بندی نیز به طور قطع نادرست است و گویش‌های گروسی، کلهری و فیلی به هیچ عنوان زیر شاخه‌ی گویش لکی محسوب نمی‌شوند. در همین راستا علی اکبر نقی‌پور نیز این تقسیم‌بندی را نپذیرفته و در این خصوص می‌نویسد: درست است که گویش لکی یکی از شعبات زبان کُردی است اما از کُردی کلهری کاملاً متمایز است» (۱۳۶۹: ۱۱۸۸).

کریم‌پور در «فرهنگ خوره‌ه‌لات» می‌نویسد: «زبان کلهری یا کرمانشاهی یکی از شاخه‌های اصلی زبان کُردی است که در جنوب کردستان ایران واقع است و استان‌های کرمانشاه، ایلام و خرم‌آباد را در بر می‌گیرد. هم چنین شهرهای قروه و بیجار در استان کردستان، نهاوند و ملایر در استان همدان، خانقین، مندلی و ... در کردستان عراق، تمامی مردمانی که با این زبان تکلم می‌کنند و شیعه مذهب هستند» (۱۳۸۰: ۴۸۲). وی در ضمن لری و لکی را زیر گروه کلهر می‌داند و «کلهر» را همان «که لری» و «که لری» را مساوی با ([کل+لر] کل = (لک) + لر) می‌داند (۱۳۸۰: ۴۸۲).

جعفر سریش‌آبادی در مقاله‌ی «آواشناسی کُردی گروسی» گویش مردم بیجار (گروس) را در زیر گروه کُردی کرمانشاهی قرار داده است و کُردی کرمانشاهی را شامل گونه‌های مردم ایلام، کرمانشاه، صحنه، ده‌لران، بیجار، قروه، کلیایی و ... در ایران و گویش مردم خانقین، بدره و مندلی در عراق دانسته است. (۱۳۸۳: ۴۳ - ۴۲) در ضمن وی در کتاب «فرهنگ گروس» آورده است که: کُردی گروسی از لحاظ لحن نزدیک به کُردی اردلانی، یعنی گویشی است که در دیواندره و دهگلان و سنندج و ... بدان صحبت می‌شود اما از حیث استراکچر و ساختار جمله و هم چنین چگونگی صرف افعال بسیار شبیه به کُردی است که در مناطقی چون گوران، گیلان غرب، کرمانشاه، ایلام و ... بدان تکلم می‌کنند. (سهرابی و سریش‌آبادی: ۱۳۸۸: ۸)

بر همین اساس بسیاری از نویسندگان تاریخ و زبان کُرد، با توجه به خاستگاه ایل گروس، کُردی گروسی را زیر گروه شاخه‌ی کلهری و یا لکی دانسته‌اند (شافعی کورد، ۹۱: ۹۲ / کریم پور ۱۳۸۰: ۴۸۲ / سریش‌آبادی، ۱۳۸۳: ۴۳ / ابراهیم پور، ۱۳۷۳: ۱۵ دیباچه) از جمله‌ی این افراد؛ صدیق صفی‌زاده است که کُردی گروسی را به عنوان زیر شاخه‌ی گویش لکی معرفی می‌کند اما در هنگام نام بردن از شهرهایی که با گویش لکی تکلم می‌کنند نامی از شهر بیجار که مرکز گویش گروسی می‌باشد به میان نیاورده است (۱۳۸۰: ۳۶) که این امر می‌تواند گویای این واقعیت باشد که صفی زاده، خود نیز، اطمینان چندانی به لکی بودن گویش مردم بیجار نداشته است.

در هر صورت، قرار دادن گویش گروسی در شمار گویش‌های لکی امری نادرست است. در این مورد بخصوص باید گفت: اساساً گویش گروسی دارای ساختار متفاوتی نسبت به لکی می‌باشد. این واقعیت بر کسی پوشیده نیست که گویش لکی خود از غنی‌ترین و با اصالت‌ترین گویش‌های کُردی است ولی چنین دسته‌بندی‌های نادرستی بیشتر به تحریف آگاهانه و یا ناآگاهانه هویت و تاریخ یک ملت و یک قوم می‌ماند و می‌تواند آسیب زننده باشد. برای روشن شدن موضوع باید گفت که گویش لکی دارای ساختار ارگاتیو^۱ است، در حالی که گروسی این چنین نیست، به عنوان نمونه: جمله‌ی "نان خوردم" در گویش‌های گروسی، چاردولی، کلیایی و کلهری با عنوان "نان خوردم" می‌آید، در حالی که در لکی "نانم هوارد" می‌باشد و در گویش هورامی: "نانم واردن" و در گویش سورانی "نانم خوارد".

۱ - ارگاتیو اصطلاحی است که در زبان‌شناسی نوین و به ویژه در رده‌شناسی زبان به کار می‌رود و آن از یک فعل یونانی به معنی «سبب شدن، به وقوع رسانیدن، خلق کردن» گرفته شده است. این ویژگی حالتی است دستوری که ویژه فاعل فعل متعدی است و معمولاً ویژه زبان‌هایی است که قدیمی‌ترند و کمتر دستخوش تحولات و دگرگونی‌های زبانی شده‌اند و به عبارتی محافظه‌کارترند و به صورت‌های باستانی خود گرایش دارند.

باتوجه به این امر به راحتی می‌توان فهمید که کُردی گروسی همانند گویش‌های چاردولی، کلیایی و کلهری و غیره، از قوانین دستوری گویش‌های کُردی جنوبی پیروی می‌کند، نه از قوانین گویش لکی و یا سورانی و هورامی. با اینکه سریش آبادی کُردی گروسی را در شمار گویش‌های کلهر و جزء کرمانشانی ذکر کرده است اما در ذکر تفاوت ما بین آنها می‌نویسد: «به دلیل ارتباط فرهنگی کم بین این مناطق تا حدودی گویش گروسی با سایر نقاط کلهر زبان چون کرمانشاه، ایلام، بده و خانقین فرق دارد و کُردی گروسی در مقایسه با گویش کرمانشانی و ایلامی، از لحاظ ادای کلمات صیقل خورده‌تر است و به همان اندازه و شاید هم کمی بیش‌تر بین این دو لهجه فرق هست که بین سورانی و مکرانی و یا سنندجی و لیلاخی» است. (۱۳۸۳: ۴۵)

در عین حال به نظر می‌رسد که بهترین دسته‌بندی برای گویش گروسی قرار گرفتن در زیر گروه شاخه‌ی کُردی جنوبی باشد؛ چرا که گویش گروسی از نظر صرف افعال و دستور زبان و حتی لغات و کلمات (واژگان) به گویش کلهری و گویش فیلی نزدیک است و تنها در نحوه‌ی تلفظ و طرز بیان آنها تفاوت وجود دارد که آن هم نتیجه تأثیرپذیری و همسایگی گروس با سوران‌ها و ایل سیاه منصور گروس - که گوران زبان بوده‌اند - می‌باشد که این امر موجب گردیده است تا گویش گروسی از نظر دستور زبان به گویش فیلی و کلهری و از نظر تلفظ واژگان به گوران و سوران (اردلانی) نزدیک‌تر باشد. برای نشان دادن دقیق‌تر این موضوع به بیان یک نمونه از ساخت افعال در کُردی گروسی می‌پردازیم و آن را با گویش فیلی (ایلامی)، یکی از گویش‌های کُردی جنوبی مقایسه می‌کنیم.

برای ساخت فعل ماضی ساده به صرف فعل «xaft» «خوابید» از ماضی مطلق ساده به دو گویش گروسی و فیلی می‌پردازیم.

شخص	ستاک ماضی	گویش گروسی	گویش فیلی	معادل فارسی
اول شخص مفرد	/ xaft -/	xaftem	xaftem	خوابیدم
دوم شخص مفرد	/ xaft - /	xafti	Xafti	خوابیدی
سوم شخص مفرد	/ xaft/	xaft	Xaft	خوابید
اول شخص جمع	/ xaft -/	xaftim	Xaftim	خوابیدیم
دوم شخص جمع	/ xaft -/	xaften	Xaften	خوابیدید
سوم شخص جمع	/ xaft -/	xaften	Xaften	خوابیدند

ساخت فعل ماضی ساده در دو گویش گروسی و ایلامی تقریباً یکسان است که نشان از یکسانی شناسه‌ها در دو گویش مذکور را می‌دهد. تنها تفاوت در دوم شخص جمع است که در فیلی xaften و در گروسی xaften می‌باشد و تفاوت نیز به این امر بر می‌گردد که شناسه فعل در دوم شخص و سوم شخص جمع در گویش گروسی یکسان می‌باشد.

در ساخت ماضی استمراری در گویش گروسی، پیشوند استمراری «de» + ستاک ماضی + شناسه به کار می‌رود که در گویش فیلی نیز به همین شکل است (شرفخانی، ۱۳۹۰: ۱۶۳) و تفاوت در شناسه‌ی دوم شخص مفرد است که در ایلامی /i- / و در گروسی / id - / به کار می‌رود.

صرف فعل «wet» در ماضی استمراری:

شخص	پیشوند فعل	ستاک ماضی	شناسه	فعل با معادل فارسی
اول شخص مفرد	De	/ wet -/	/-em/	می‌گفتم / dewetem
دوم شخص مفرد	De	/ wet - /	/-id/	می‌گفتی / dewetid
سوم شخص مفرد	De	/ wet /	/Ø/	می‌گفت / dewet
اول شخص جمع	De	/ wet - /	/-im /	می‌گفتیم / dewetim
دوم شخص جمع	De	/ wet - /	/-en /	می‌گفتید / deweten
سوم شخص جمع	De	/ wet - /	/-en /	می‌گفتند / deweten

دلیلی دیگر در قرار گرفتن گویش گروسی در دسته گویش کُردی جنوبی، ارگاتیو نبودن آن است، به طوری که اردلانی و دیگر گویش‌های کُردی میانی (از جمله سورانی و موکریانی) در این خصوص از گویش گروسی متمایز می‌گردند. هر چند در برخورد اول شباهت‌های بسیاری در واژه‌ها و نحوه بیان آنها بین گروسی و اردلانی می‌یابیم، ولی این در حالی است که ساختار جمله و دستور زبان بین این دو گویش متفاوت است و این گویش مشابه دیگر گویش‌های کُردی جنوبی است. با این شرایط غیر منطقی است که گروسی را از گویش‌های شاخه‌ی کُردی جنوبی جدا کرد؛ چرا که اختلاف کُردی گروسی با سایر گویش‌های جنوبی بیشتر در سطح تلفظ واژگان است - هر چند کُردی گروسی برخی کلمات مخصوص به خود دارد و یا دارای برخی کلمات مشترک با گورانی و هورامی و اردلانی نیز است - اما به طور کلی، با وجود تفاوت‌ها، باید کُردی گروسی را یکی از گویش‌های مستقل شاخه‌ی کُردی جنوبی محسوب کرد و به هیچ وجه زیر مجموعه‌ی گویش کلهری یا فیلی و ... نیست. در تأیید این مطلب می‌توان به مقاله‌ی، مسلم خزلی و سکینه آزادی اشاره کرد که شاخه‌ی کُردی جنوبی را دارای چهار گویش محوری می‌دانند که شامل گویش‌های فیلی (ایلامی)، کلهری، گروسی و لکی می‌باشد. (خزلی و آزادی، ۱۳۹۶: ۱۳۴)

اما در جواب چرایی شکل‌گیری کُردی گروسی باید متذکر شد که با گذشت زمان، لهجه و گویش ساکنان قدیمی گروس که گورانی بوده است، با گویش ساکنان جدید آن که گروس‌ها بوده و گویش کُردی جنوبی داشته‌اند، در هم آمیخته و گویش سورانی نیز که گویش همسایگان غربی گروس بوده است اثراتی را در زبان و گویش گروسیان ایجاد کرده است. بنابراین با وجود ترکیب این سه گویش در شهرستان بیجار، گویشی ویژه و ترکیبی به وجود آمده که امروزه کُردی گروسی نام گرفته است. البته از زبان ترکی نیز به دلیل همسایگی با ترک‌ها و از زبان فارسی نیز تا حدودی تأثیر پذیرفته است (درست مانند تمامی لهجه‌های زبان کُردی در ایران) با این حال کُردی گروسی ترکیبی از دو گویش گورانی و کلهری بوده و با گویش سورانی (به خصوص اردلانی) نیز قرابتی ویژه دارد و واژه‌هایی را نیز از گویش سورانی به وام گرفته است؛ به همین دلیل محققان دچار سردرگمی شده‌اند که کُردی گروسی را زیر مجموعه‌ی کدام شاخه از گویش‌های زبان کُردی به شمار آورند و هر نویسنده‌ای که نظر داده است خود، با شک و تردید به آن نگریسته است.

در هر حال، قرن‌ها سکونت در منطقه‌ای که عشایر مختلف از دیگر ایلات کُرد از اقصی نقاط کردستان بخصوص اردلانی‌ها و هورامی‌ها در آن حضور داشتند تأثیر زیادی بر گویش گروس‌ها گذاشته و هر چند ساختار و دستور زبان ثابت مانده ولی واژه‌های جدید وارد آن شده و نوع تلفظ و همچنین آهنگ سخن گفتن را دچار تغییراتی نموده است که این تغییرات به مرور زمان و در طی صدها سال بر اثر برخورد سه گویش از بزرگترین اقوام کُرد به وجود آمده و منجر به خلق گویشی تراش‌خورده از نوع خود در زبان کُردی گردیده است.

برخورد کُردی جنوبی با جنوبی‌ترین گویش کُردی میانی (اردلانی)، علاوه بر گویش گروسی، منجر به خلق دو گویش دیگر چون؛ چاردولی و کولیایی نیز گردیده است که با کُردی گروسی دارای تشابهات و قرابت بیشتری نسبت به سایر گویش‌های کُردی جنوبی است. البته گویش گروسی با گویش‌های مذکور نیز تفاوت‌های زیادی دارد و این اختلاف بیشتر مربوط به گویش مبداء و مقدار تأثیرپذیری آنها از اردلانی است. با توجه به این که مبداء چاردولی‌ها و کولیایی‌ها نزدیک به هم و هر دو مربوط به شمال ایلام هستند، (کلیایی‌ها مربوط به ایوان و چاردولی مربوط به چرداول) به وضوح شباهت گویش‌های آنها هنوز هم دیده می‌شود، در حالی که گویش گروسی مقداری از آن دو گویش دیگر متفاوت است به دلیل اینکه گویش مبداء گروسی‌ها در جنوب ایلام و حتی در بخش‌هایی از لرستان و خوزستان بوده است.

با بررسی گویش‌ها و اقوام جدا شده از ایلام می‌توان فهمید که ساکنین قبلی دارای چه گویشی بوده‌اند. برای بررسی و شناخت بهتر گویش گروسی لازم است نگاهی به دو گویش هم خانواده‌ی آن یعنی کلیایی و چاردولی نیز داشته باشیم. این

۱- محدوده‌ی این سه گویش از بیجار در استان کردستان تا جنوب سنقر در کرمانشاه و شمال شرقی اسدآباد در استان همدان و از غرب بهار در استان همدان تا شرق قروه در استان کردستان می‌باشد.

سه گویش دارای مشترکات زیادی هستند از جمله: ۱- هر سه دارای منشاء ایلامی هستند. ۲- هر سه در شرق کردستان و در کوهستان‌های دامنه‌ی شمالی و شمال شرقی زاگرس دچار تغییرات شده و رواج یافته‌اند. ۳- هر سه در شاخه‌ی کردی جنوبی دسته‌بندی می‌شوند. ۴- هر سه دارای اسکلت ایلامی (استان ایلام) و آهنگ سخن گفتن اردلانی هستند.

چنانچه بخواهیم به صورت فنی مسأله را بررسی کنیم، اثرگذاری گویش‌های کردی میانه بر گویش‌های کردی جنوبی روشن است و مصداق آن هم قابل مشاهده است، اما آیا این تأثیر یکطرفه بوده است؟ جواب منفی است. همان‌گونه که کردی میانی بر کردی جنوبی تأثیرگذار بوده و گویش‌های گروسی و چاردولی و کلیایی را به وجود آورده است، تأثیر گویش‌های کردی جنوبی بر کردی میانه هم به خلق گویش‌های لیلخی^۱ انجامیده است. گویشی که دارای ساختار کردی میانی با وام‌واژه‌ها و تأثیراتی از کردی جنوبی است.

بی تردید گویش گروسی همراه با گویش چاردولی نقش بسیار زیادی در انتقال فرهنگ و واژه‌های کردی جنوبی به کردی اردلانی (کردی میانی) ایفا کرده‌اند و بدون شک این اتفاق به افزایش دامنه‌ی واژه‌های کردی میانی کمک نموده است. با توجه به این مسائل، اکنون می‌توان گویش‌های کردی گروسی را حلقه‌ی اتصال گویش‌های کلهری، هورامی (گورانی) و سورانی محسوب کرد و آن را یک گویش بینابینی به شمار آورد که اصل و ریشه‌ی آن کردی جنوبی است.

نتیجه‌گیری

یکی از شاخه‌های اصلی زبان کردی، شاخه‌ی کردی جنوبی است که خود گویش‌ها و لهجه‌های متعددی را در بر می‌گیرد. به اعتقاد برخی از زبان‌شناسان، گویش گروسی نیز یکی از گویش‌های زیر گروه این شاخه محسوب می‌شود. هر چند که برخی معتقدند که گویش گروسی زیر گروه شاخه‌ی گورانی و هورامی است و گروهی دیگر مدعی‌اند که کردی گروسی در کنار اردلانی و سورانی جزئی از زیر گروه کردی مرکزی است و بر این باورند که گروسی‌ها در ادای واژگان به مانند سورانی عمل می‌کنند.

اما با توجه به بررسی‌های آوایی و نکات دستوری که در طی مراحل گردآوری این مقاله صورت گرفت، باید متذکر شد که گویش گروسی بیشترین شباهت و قرابت را با گویش‌های زیر گروه شاخه‌ی جنوبی دارد و با توجه به شباهت‌های دستوری، چون شکل و صرف افعال، شناسه‌ها و پیشوندها، پسوندها، ستاک‌های ماضی و مضارع و ... می‌توان نتیجه گرفت که قریب به یقین به این شاخه‌ی اصلی تعلق دارد. با این تفاوت که از لحاظ ادای کلمات، گویش گروسی، روان‌تر و صیقل خورده‌تر از سایر گویش‌های کردی جنوبی به ادای واژگان می‌پردازد و همین امر موجب شده است تا برخی محققان این گویش را به گویش گورانی و یا به سورانی نسبت دهند.

گویشی که امروزه کردی گروسی نامیده می‌شود، یک گویش‌های کردی بینابینی است؛ به طوری که می‌توان گفت اگر چه اصالتاً از گونه‌های کردی جنوبی است اما اکنون یک گویش ترکیبی است که در آن تأثیرات و نشانه‌های گویش‌های کردی سورانی و گورانی نیز دیده می‌شود و در واقع رابط گویش‌های جنوبی و گویش‌های میانی چون سورانی و اردلانی است.

۱ - لیلخ منطقه‌ای کوهستانی و بیلاقی است که در نزدیکی مناطق چاردولی نشین منطقه اسفند آباد و قروه قرار دارد.

Analysis and study of the place of Groosi dialect in the Kurdish language

(Mohammad Marivani)

abstract

The Kurdish language has very diverse and different dialects, one of the Kurdish language dialects in Iran is Grosi dialect, which is spoken by most of the residents of Bijar city and parts of Qorveh in Kurdistan province and parts of Kabudar Ahang city in Hamadan. Some consider Grossi dialect to be a subgroup of Sorani Kurdish dialect, and others consider it a subgroup of Southern Kurdish, and some consider it a part of Goran Kurdish. This article aims to discuss and analyze Grosi Kurdish dialect in a descriptive and analytical way from the perspective of structure and in this way determine its main and real branch

The research results show that Grosi Kurdish is an intermediate dialect; In other words, it plays the role of an intermediate dialect among the Kurdish dialects, and if we want to compare in terms of vocabulary and grammar, most of its vocabulary is the same as the southern Kurdish dialect, but in terms of the expression of the words, the Grossi dialect is a combination of the expression of the Sorani Kurdish dialect and the Gurani Kurdish dialect

Keywords: Kurdish language, Southern Kurdish, Sorani, Gorani, Grusi

منابع

- ابراهیم پور، محمد تقی (۱۳۷۳)، *واژه‌نامه کردی، فارسی، چاپ اول*، تهران، انتشارات ققنوس.
- افتخاری، سید غنی (۱۳۷۸)، «معرفی نسخه خطی سحر سامری و سفر ناصری (یادداشت‌های روزانه از سفر ناصرالدین شاه قاجار به کلاردشت و طالقان در سنه ۱۳۰۱ قمری)»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، شماره ۲۷، ص ۶ و ۷
- انساب ائمه و امامزادگان (قرن ۱۲)*، نسخه خطی، تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ثبت: ۹۴۹۲
- باش افشار، منوچهر (۱۳۸۳)، «جایگاه زبان کردی در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی» *فرهنگ کردستان*، مجموعه مقالات دومین همایش گروس‌شناسی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کردستان، سال ششم، شماره ۲۰، صص ۲۸ - ۱۴
- بدلیسی، امیر شرف‌الدین (۱۳۷۳)، *تاریخ کرد (شرفنامه)*، به اهتمام محمد عباسی، چ اول، تهران، نشر حدیث.
- پهلوان نژاد، محمدرضا، اسدپور، هیوا (۱۳۸۶) «توصیف مشخصه‌های دستوری گویش سورانی»، *مجله مطالعات ایرانی*، شماره ۱۲، صص ۵۶ - ۳۵
- تیموری، رباب (۱۳۸۳)، «پیشنهاد خط زبان کردی گروسی بر اساس خط استاندارد»، *فرهنگ کردستان مجموعه مقالات دومین همایش گروس‌شناسی*، اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کردستان، سال ششم، شماره ۲۰، صص ۹۷ - ۱۱۱
- شافعی‌کورد، جلال‌الدین (۱۳۷۸)، *جوغرافیای تاریخی کوردستان*، تهران، انتشارات ن و القلم.
- شرفخانی، زهرا (۱۳۹۰)، «فرایندهای واژه‌سازی در گویش کردی فیلی»، *فرهنگ ایلام*، شماره ۳۲ و ۳۳، صص ۱۷۷ - ۱۵۶
- خادمی، شیرین (۱۳۸۳)، «برخی ویژگی‌های آوایی و دستوری گویش کردی شهرستان بیجار» *فرهنگ کردستان*، مجموعه مقالات دومین همایش گروس‌شناسی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کردستان
- ، *سال ششم*، شماره ۲۰، صص ۹۶ - ۸۰
- خزلی، مسلم، آزادی، سکینه (۱۳۹۶)، «ساختار فعل در گویش خزلی»، *فصلنامه علمی ترویجی فرهنگ ایلام*، دوره هیجدهم، شماره ۵۴ و ۵۵، صص ۱۵۱ - ۱۳۳
- خوشحالی، بهزاد (۱۳۷۹)، *زبان‌شناسی کرد و تاریخ کردستان*، چ اول، همدان، نشر فن‌آوران.
- رخزادی، علی (۱۳۷۹)، *آواشناسی و دستور زبان کردی*، تهران، ترفند.
- سارابی، ظاهر (۱۳۸۰)، «زبان کردی و گویش‌های آن و جایگاه کردی رایج در ایلام»، *فصلنامه علمی ترویجی فرهنگ ایلام*، دوره دوم، شماره ۵ و ۶، صص ۷۳ - ۶۴
- سریش‌آبادی، جعفر (۱۳۸۳)، «آواشناسی کردی گروسی» *فرهنگ کردستان*، مجموعه مقالات دومین همایش گروس‌شناسی، فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کردستان، سال ششم، شماره ۲۰، صص ۶۰ - ۳۹
- سهرابی، رضا (۱۳۸۳)، «نگاهی گذرا به نظام آوایی کردی گروسی» *فرهنگ کردستان*، مجموعه مقالات دومین همایش گروس‌شناسی، فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کردستان، سال ششم، شماره ۲۰، صص ۷۹ - ۶۱.
- سهرابی، رضا، سریش‌آبادی، جعفر (۱۳۹۰)، *فرهنگ گروس، کردی گروسی، کردی سورانی - فارسی*، سنندج، دانشگاه کردستان.
- صفی‌زاده، صدیق (۱۳۸۰)، *فرهنگ کردی (بوره که ای) کردی - فارسی*، چ اول، تهران، پلیکان.
- علی‌یف، اقرار (۱۳۸۸)، *پادشاهی ماد*، ترجمه کامبیز میربهاء، تهران، انتشارات ققنوس.
- فرهنگ ایران زمین*، جلد بیستم، تهران (۱۳۵۳)، صاحب امتیاز و مدیر: ایرج افشار، چاپخانه فردوسی، *آمار مالی و نظامی ایران در سال ۱۱۲۸ ه.ق*، به کوشش محمد تقی دانش‌پژوه.
- کریم پور، کریم (۱۳۸۰)، *خوره‌لات (فرهنگ گویش کردی کلهری) (کرمانشاهی) کردی - فارسی*، جلد دوم، کرمانشاه، نشر صبح روشن.

کلباسی، ایران (۱۳۷۴)، مقایسه بین کردی مهابادی، سنندج و کرمانشاه، مجله علمی پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء، ش ۱۳ و ۱۴، صص ۸۰ - ۵۹

کوشا، محمد علی (۱۳۸۴)، سیمای بیجار گروس و حسن آباد یاسوکنند، چ اول، انتشارات سیروان، تهران.

مجله یادگار، (۱۳۲۵)، ما و خوانندگان (گروس و بیجار)، شماره نهم، سال دوم، صص ۶۸ - ۶۶.

مرتضایی، محمد (۱۳۵۷)، زبان کردی و لهجه های مختلف آن، چ اول، تبریز، انتشارات مهرگان.

مریوانی، محمد (۱۳۸۸)، بیجار گروس در گذرگاه تاریخ، چاپ اول، قم، انتشارات فقه.

مفتی زاده، محمد صدیق (۱۳۵۶)، درس زبان کردی، تهران،

ناتل خانلری، پرویز (۱۳۶۵)، تاریخ زبان فارسی، ج ۱، چ دوم، تهران، نشر نو.

نقی پور، علی اکبر (۱۳۶۹)، «پیشنهاد الفبا و خطی برای خواندن و نوشتن گویش کردی کلهری»، دو فصلنامه چیستا، شماره

۶۹، صص ۱۱۸۸ - ۱۱۹۳

نه به ز، جمال (۱۹۷۶)، زمانی یه کگرتوی کردی، بامبیرگ نه لمان، انتشارات اتحادیه ی ملی دانشجویان کرد در اروپا.

ویسی، هیوا (۱۳۹۸)، نقدی بر تقسیم بندی شاخه های زبان کردی بر مبنای حوزه جغرافیایی،

پژوهشنامه ادبیات کردی، سال پنجم، شماره ۸، پاییز و زمستان، صفحات ۱۴۰ - ۱۲۵

یوسفی نیا، علی اصغر (۱۳۷۰)، تاریخ تنکابن، چ اول، تهران، نشر قطره.

Wahbi, T. (1965). The origins of the Kurds and their language. London: Routledge.

کردی_اردلانی/ [https:// fa.wikipedia.org/wiki/کردی_اردلانی](https://fa.wikipedia.org/wiki/کردی_اردلانی)